

اعراب در اندیشه تعیین سرنوشت گاز



مترجم: جمیله گلکاران

مدتی است که متخصصان نفتی کشورهای عربی سرگرم بررسی و بحث پیرامون چگونگی دستیابی به حداکثر بهره‌وری از گاز طبیعی در کشورهای تولیدکننده هستند. سؤالی که درمیان متخصصان کشورهای عرب مطرح است، این است که آیا بهتر است گاز طبیعی صادر شود و یا اینکه صرف توسعه و پیشبرد روند صنعتی در داخل کشورهای تولیدکننده شود؟

این مساله ابعاد متعددی دارد. اول آن که صادرکنندگان داخلی و شرکت‌های بین‌المللی با ضرورت استفاده از گاز همراه با نفت مخالفند. زیرا به اعتقاد آنها، این کار ارزش اقتصادی ندارد و مصرف و جداسازی گاز از نفت پرهزینه و بدون سوددهی است.

لازم به ذکر است که گاز همراه در میدان‌های نفتی می‌سوزد و به همین دلیل کشورهای تولیدکننده، تاکنون میلیون‌ها دلار از دست داده‌اند و اقتصاد جهانی نیز یکی از منابع کلیدی انرژی‌اش را از دست می‌دهد.

در بسیاری از کشورهای تولیدکننده، قوانین زیادی بر علیه سوزاندن گاز همراه به اجرا در آمده با این وجود همچنان تا امروز گاز همراه سوزانده می‌شود.

دوم آن که صادرکنندگان داخلی و شرکت‌های بین‌المللی هنوز هم در مورد استفاده مطلوب گاز غیرهمراه، هم‌عقیده نیستند. سوال این است که آیا بهتر است که در آینده کشورهای تولیدکننده از ذخایر گازی خود جهت تامین انرژی نیروگاه‌های برق، واحدهای آب‌شیرین‌کن و مراکز پتروشیمی استفاده کنند و یا اینکه بهتر است از ذخایر گازی برای پمپاژ کردن به میدان‌های نفتی جهت افزایش فشار و بهبود تولید نفت خام بهره ببرند.

توسعه کاربرد گاز می‌تواند راهکاری برای کاهش وابستگی اقتصاد داخلی کشورهای تولیدکننده به صادرات نفت باشد و از سوی دیگر می‌تواند سوخت لازم برای نیروگاه‌های برق و واحدهای تولید آب شیرین را فراهم کند.

در حقیقت، نیاز به آب تنها محدود به کشورهای خلیج فارس نیست بلکه لیبی و الجزایر نیز علی‌رغم اجرای پروژه چند میلیارد دلاری شیرین کردن آب در لیبی «Great Man-Made River Project»، از کمبود آب در عذابند.

البته نباید از کاربرد بی‌شمار گاز در داخل کشورهای عربی چشم‌پوشی کرد؛ بخصوص آن که سوختی است که می‌تواند جایگزین فرآورده‌های نفتی صادراتی شود

و سودآور نیز باشد. البته باید وضعیت داخلی کشورهای تولیدکننده نیز مورد نظر قرار گیرد.

مساله بررسی آینده گاز در روزهای اخیر با توجه به تصمیم یمن برای اجرای پروژه صادرات گاز مایع در اواسط ۲۰۰۹ اهمیت زیادی پیدا کرده است. اگرچه انجام مطالعات دقیق و جزئی ذخایر گاز طبیعی در یمن هنوز به طور رسمی اعلام نشده است.

کشورهای حوزه خلیج فارس با وجودی که ۴۰ درصد از منابع تثبیت شده گاز جهان را در اختیار دارند، تنها در تولید ۱۰ درصد از کل گاز تولید شده در جهان سهم دارند.

تحلیلگران انرژی معتقدند که تقاضای جهانی گاز در خلال ۳۰ سال آینده با توجه به افزایش ۱/۶ درصدی مصرف نفت و ۱/۴ درصدی مصرف زغال سنگ، در حدود ۲/۴ درصد رشد خواهد داشت. هم‌اکنون سهم تولید گاز در تامین تقاضای انرژی در سطح جهان در حدود ۲۴ درصد، سهم نفت ۴۰ درصد و زغال سنگ ۲۶ درصد است. این در حالی است که تا سال ۲۰۱۰ مصرف گاز طبیعی به عنوان یک منبع سوخت پاک، از زغال سنگ پیشی گرفته و در جایگاه دوم قرار می‌گیرد.

در این میان، خاورمیانه درآینده، در زمینه عرضه گاز، نقش کلیدی را بازی می‌کند. این منطقه با داشتن ۷۲ تریلیون مترمکعب گاز طبیعی، در حدود ۴۰ درصد از کل ذخایر گازی اثبات شده در جهان را در خود جای داده است. اما تولیدات گازی این منطقه از ۲۴۵ میلیارد مترمکعب در سال و یا ۱۰ درصد از کل تولید گاز در جهان، فراتر نمی‌رود. این بدان معنا است که با توجه به حجم عظیم ذخایر گازی در خاورمیانه، میزان تولیدات گازی این منطقه در سطح پایینی است.

به علاوه کشورغنی از ذخایر گازی قطر که بعد از روسیه و ایران سومین ذخایر گازی بزرگ جهان را در اختیار دارد، تصویب پروژه‌های صادرات گاز طبیعی خود را تا ارزیابی شرکت قطر پترولیوم از ذخایر گازی موجود در میدان نفتی برون ساحلی شمال، به تعویق انداخته است. البته نمی‌توان این نکته را نادیده گرفت که قطر پترولیوم پیشنهادهای متعددی را از شرکت‌های بین‌المللی نفتی برای توسعه ذخایر گازی میدان نفتی شمال دریافت کرده است. قطر در نظر دارد که اولین پروژه مایع‌سازی گاز طبیعی را که در نوع خود در کشورهای عربی اولین پروژه و در جهان بزرگترین پروژه به شمار می‌رود، در نیمه اول

۲۰۰۹ افتتاح کند.

قطر با داشتن ۲۵ تریلیون مترمکعب ذخایر گازی، حدود ۱۸ میلیون تن «ال ان جی» در سال تولید می‌کند و قرار است که میزان تولیداتش در سال ۲۰۱۰، با توجه به پیگیری پروژه‌های عظیم با مشارکت شرکای خارجی در میدان گازی شمال، بزرگترین میدان گاز طبیعی در دنیا، به ۳۵ میلیون تن در سال برسد.

این در حالی است که آمار نشان می‌دهد ذخایر گازی امارات حدود ۶ تریلیون مترمکعب بوده است که با این میزان ذخایر، در جایگاه پنجم در دنیا پس از روسیه، ایران، قطر و عربستان سعودی قرار دارد.

در زمینه گاز طبیعی مایع (ال ان جی)، امارات با داشتن شرکت سرمایه‌گذاری ال ان جی، شرکت مایع سازی گاز ابوظبی (اد گاز)، که سالانه در حدود ۱۰ میلیون تن گاز برای شرکت ژاپنی «تپکو» تولید می‌کند، دومین تولیدکننده گاز در میان کشورهای عربی پس از قطر است.

همچنین اجرای پروژه‌های جدیدی در زمینه صادرات گاز طبیعی و مایع‌سازی گاز در الجزایر، عراق، لیبی و مصر در دست بررسی است.

از سوی دیگر، پروژه تأسیس سازمانی از سوی کشورهای عرب تولیدکننده گاز شبیه به اوپک در جریان است.

در حال حاضر مذاکراتی در مورد اهمیت استفاده از گاز طبیعی عراق در داخل و یا صادرات آن بر اساس توافق‌نامه‌ای که با شرکت «شل» برای استخراج و فروش گاز طبیعی در جنوب عراق امضا شده بود، در جریان است.

کمیته پارلمانی نفت و گاز عراق در نظر دارد سؤالاتی را در مورد امضای قرارداد مذکور با شرکت شل که بدون هیچ مناقصه‌ای انجام گرفته و با قوانین جاری عراق نیز مغایرت دارد، از وزیر نفت بپرسد.

در مصر نیز مذاکرات مشابهی در جریان است. وزیر نفت مصر تصمیم دارد که درصدی از ذخایر گازی این کشور را به استفاده داخلی و مابقی را به صادرات اختصاص دهد. عربستان نیز باید به نوبه خود به جای صادرات گاز، تلاش‌های زیادی را صرف اکتشاف و مصرف گاز در داخل کند.

در حال حاضر، با توجه به افزایش سریع مصرف نفت در داخل کشورهای عربی و همچنین در سطح بین‌المللی، سؤالی که کشورهای عربی باید از خودشان بپرسند این نیست که آیا می‌خواهند گاز خود را صادر کنند و یا خیر، بلکه تفاوت میان کشورهای حرف اول را می‌زند. برای مثال بین ذخایر گازی اثبات شده در کشورهای عربی و طرح‌های توسعه‌ای که اجرای آنها نیازمند گاز است تفاوت زیادی وجود دارد.

با توجه به اجرای پروژه‌های متعدد گازی در کشورهای عربی و همچنین نیاز به تامین انرژی نیروگاه‌های برق، واحدهای آب‌شیرین‌کن و مجتمع‌های پتروشیمی، اگر این کشورها بررسی دقیقی از ذخایر گازی خود نداشته باشند و نتوانند در مورد سرنوشت گاز خود در آینده تصمیم گیرند، و یا به جای سرمایه‌گذاری در جهت استفاده از این سوخت در داخل، تنها به صادرات آن ببنیدیشند، ممکن است که در آینده حتی مجبور به وارد کردن گاز به کشورهایشان شوند، درست مثل عمان که پس از شروع به صادرات گازش، مجبور شد واردات گاز به کشور را نیز شروع کند. ▲